



میزگرد

نرخ شکنی و رقابت ناسالم

مؤسسات حسابرسی

بایکدیگر

رقابت ناسالم

نرخ شکنی و امضافروشی سه مقوله‌ی متفاوت هستند



ساسان مهرانی



نظام‌الدین ملک‌آرایی



عیسی شهسوار خجسته



یحیی حساس یگانه



مصطفی جهانبانی



مهدی بیرانوند



با حضور

مهدی بیرانوند، حسابدار رسمی و عضو هیأت مدیره‌ی جامعه
مصطفی جهانبانی، حسابدار رسمی و رئیس پیشین شورای عالی جامعه (غیر شاغل)
یحیی حساس یگانه، حسابدار رسمی، استاد دانشگاه و عضو شورای عالی جامعه
عیسی شهسوار خجسته، حسابدار رسمی و رئیس پیشین هیأت تشخیص صلاحیت حسابداران رسمی
نظام‌الدین ملک‌آرایی، حسابدار رسمی و دبیر کل پیشین جامعه
ساسان مهرانی، حسابدار رسمی و مدیر عامل مؤسسه‌ی حسابرسی تأمین اجتماعی

میزگرد این شماره‌ی «حسابدار رسمی» بخشی از مسائل و مشکلات حرفه‌ی حسابرسی را در زمینه‌ی اقتصادی به‌ویژه پدیده‌ی رقابت ناسالم اقتصادی در بین مؤسسات حسابرسی را مورد بررسی و گفت‌وگو قرار می‌دهد. پیش‌فرض اولیه از منظر اقتصادی این است که حسابرسی فعالیت مفید و مورد نیاز است که برای تبدیل آن به یک بخش اقتصادی درخور اهمیت، نیازمند بازار مطمئن، صرفه‌ی اقتصادی و چشم‌اندازهای مثبت اقتصادی از منظر امکان گسترش و تحکیم حرفه است. از این‌رو، شناخت و ریشه‌یابی معضلاتی که مانع توسعه و ارتقای اقتصادی حرفه می‌شوند فی‌نفسه دارای اولویت و اهمیت است. محورهای مورد بحث چنین است:

۱) مفهوم واقعی رقابت ناسالم اقتصادی و به‌طور مشخص نرخ‌شکنی چیست؟ چه تعریفی از نرخ‌شکنی دارید؟ آیا هرگونه تفاوت در برآورد بهای خدمات حسابرسی به معنای نرخ‌شکنی است؟

حسابرسی با توجه به سابقه، حسن شهرت، شهرت و شناخت عمومی، اندازه‌ی مؤسسه، مؤسسه‌ی محلی و عواملی از این دست طبیعی است؟ یا این که نبایستی تفاوتی در نرخ خدمات حرفه‌ای وجود داشته باشد؟

به اخلاق حرفه‌ای است یا این که عواملی نظیر کمبود تقاضا برای خدمات حرفه‌ای و عرضه‌ی بیش از اندازه (کثرت مؤسسات حسابرسی) و عواملی از این قبیل نیز دارای آثار قابل توجه در این مورد هستند؟

۲) آیا تفاوت در نرخ ارائه‌ی خدمات حرفه‌ای بین مؤسسات

۳) آیا نرخ‌شکنی و رقابت ناسالم اقتصادی ناشی از عدم پایبندی

۴) آیا تک‌محصولی بودن و تأکید صرف بر خدمات حسابرسی و عدم



توجه و فعالیت در خدمات غیر حسابرسی را مؤثر بر نرخ شکنی است یا خیر؟

۵) جامعه‌ی حسابداران رسمی که مطابق اساسنامه‌ی خود، موظف به تنظیم امور و اعتلا حرفه است چه تکالیف و وظایفی در این زمینه برعهده دارد؟ آیا جامعه‌ی حسابداران رسمی می‌تواند از طریق نرخ‌گذاری این معضل را کنترل و مشکلات ناشی از آن را کاهش دهد؟

۶) فضای نامطلوب موجود در سطح اقتصاد کلان، از جمله بحران اقتصادی ناشی از تورم و رکود مزمن، مشکلات ناشی از فساد مالی، نظارت‌گریزی و مشکلاتی از این جنس را تا چه اندازه بر رقابت ناسالم و نرخ شکنی در بین مؤسسات حسابرسی مؤثر می‌دانید؟

موضوع اصلی بحث حاضر یکی از مشکلاتی است که حرفه‌ی حسابرسی در ایران طی دوره‌ی اخیر که از زایش مجدد حسابرسی مستقل بعد از انقلاب می‌گذرد یعنی از سال ۱۳۸۰ تا امروز با آن مواجه بوده است. به رغم این که حسابرسی حرفه نوپایی است اما از یک مشکل درونی آسیب می‌بیند. این مشکل درونی رقابت ناسالم یا نرخ شکنی‌ها و دامپینگی است که در این حرفه وجود دارد. شاهد این هستیم که همین حاشیه‌های اندک سود فعالان حرفه‌ای به سبب این نوع رقابت ناسالم کاهش پیدا کرده و به همین دلیل تغییراتی در ترکیب مؤسسات و تعداد مؤسسات و ... می‌بینیم و این مشکل در حرفه پایدار مانده است.

بحث برسر این است که دلایل و زمینه‌های بروز این مشکل چه بوده و چه گونه می‌توان با آن مقابله کرد. بر حسب حروف الفبا پیش می‌رویم. چون آقای بیرانوند در

مهدی بیرانوند: تا زمانی که شرکت‌داری به معنای واقعی نداشته باشیم و اصطلاحاً جدایی نقش سهام‌دار از مدیریت نداشته باشد حسابدهی و حساب خواهی و حسابرسی معنی پیدا نمی‌کند

تشکیلات جامعه هم حضور دارند لطفاً تصویری از وضعیت موجود این معضل در جامعه ارائه بدهند. بعد از سایر اساتید محترم خواهشمندم که نقطه نظرات کارشناسی‌شان را در این زمینه ارائه کنند. سپس می‌توانیم بحث را در دو قسمت جلو ببریم. قسمت اول بیش‌تر معضلات وضع موجود و نواقص و نقاط قوت و ضعف را بررسی کند و قسمت دوم راهکارهای اجرایی برای غلبه بر آن.

◀ مهدی بیرانوند:

در حال حاضر حدود ۲۷۱ مؤسسه‌ی حسابرسی فعال داریم و ۲۴۷۰ حسابدار رسمی که تعداد ۸۷۰ نفرشان غیرشاغل و ۱۴۰۰ نفر حسابدار رسمی که هم شاغل در مؤسسات به عنوان شریک و مدیر و تعداد ۲۰۰ نفر در سازمان حسابرسی شاغل هستند درخصوص درآمد مؤسسات از چند سال قبل میزان درآمد مؤسسات اطلاع رسانی می‌شود. تعداد ۷ مؤسسه درآمدشان بالای مبلغ



**مهدی
بیرانوند:
می‌بایست
از نگاه
ساده‌انگاران
به این
پدیده
اجتناب کرد
و موضوع
نرخ‌شکنی را
در بسترهای
مختلف
اخلاقی،
اقتصادی،
اجتماعی و
فرهنگی
مورد مذاقه
و بررسی
قرار داد تا
به نتیجه‌ی
مطلوب
و راه‌حل
مناسب
رسید**

آزمایشگاه را انتخاب می‌کند تا از سلامت خود اطمینان حاصل نماید. ولی وقتی مشتریان ما می‌خواهند حسابرس انتخاب کنند، آیا بهترین حسابرس را انتخاب خواهند کرد یا دنبال حسابرس با هزینه‌ی کمتر هستند؟ کدام حسابرس بیش‌تر گیر نمی‌دهد؟ این نشان می‌دهد که معضلی در حوزه‌ی انتخاب حسابرس وجود دارد و متأسفانه در بخشی از اقتصاد ما حسابرس توسط مدیریت انتخاب می‌شود نه سهام‌دار. این در بعضی از موارد متأسفانه خطر خدشه‌دار شدن استقلال حرفه‌ای همکاران ما را در پی دارد و شبهاتی را مطرح می‌کند که خیلی خطرناک است.

بخش بزرگی از اقتصاد ما دولتی است. این اقتصاد دولتی چه‌گونه حسابرسی می‌شود؟ سازوکارش چه‌گونه است؟ چه‌قدر پاسخ‌گو هستند؟ اخیراً بحث مربوط به تخصیص ارزی دولتی اتفاق افتاد. بانک مرکزی فهرست ۱۰۸۹ شرکت را اعلام کردند که ارز دولتی گرفته‌اند. طبق سامانه‌ی اطلاعاتی جامعه حدود ۶۳۷ مورد از این شرکت‌ها اصلاً حسابرس ندارند، یعنی کسی که ارز می‌گیرد، واردات می‌کند، صادرات

به تأمین اجتماعی پرداخت می‌کنیم. واقعاً با این سطح درآمد پایین می‌توان به مؤسسه‌داری به عنوان یک بنگاه اقتصادی نگاه کرد؟

وقتی تجزیه و تحلیل کنیم می‌بینیم این اتفاق دلایل مختلفی دارد. یکی از دلایل اصلی این است که واقعاً در کشور حسابرسی هنوز به یک نیاز واقعی تبدیل نشده و در سطح یک ضرورت قانونی باقی مانده است. علت چیست؟ به اعتقاد بنده علاوه بر مشکلات درونی که بعداً توضیح خواهم داد یک مشکل عمده بیرون از حرفه‌ی حسابداری و حسابرسی است. و آن این است که تا زمانی که شرکت‌داری به معنای واقعی نداشته باشیم و اصطلاحاً جدایی نقش سهام‌دار از مدیریت وجود نداشته باشد حسابداری و حساب‌دهی و حساب‌خواهی و حسابرسی معنی پیدا نمی‌کند. با صنوف و حرف دیگر شاید آن‌چنان قابل مقایسه نباشیم ولی یک مثال در حوزه‌ی پزشکی را بیان می‌کنیم. می‌توان حسابرسی را مثل یک چکاپ و بازبینی برای سهام‌دار در نظر گرفت. موقعی که فردی بخواهد چکاپ کند دنبال یک آزمایشگاه خوب است و قیمت را نمی‌پرسد و بهترین

۱۰ میلیارد تومان است. و تعداد ۱۲۰ مؤسسه داریم که درآمد سالیانه‌ی آن‌ها با وجود ۳ شریک و میانگین بین ۱۰ تا ۱۵ نفر پرسنل زیر ۱ میلیارد تومان است. با توجه به آمار و گزارش‌های موجود، سالانه همکاران ما در مؤسسات حسابرسی حدود ۳۰۰۰۰ شرکت و مجموعه را حسابرسی می‌کنند. در سطح کلان درآمد سالیانه‌ی حرفه حسابرسی از ۵ سال قبل بصورت میانگین بین ۶۰۰ الی ۷۰۰ میلیارد تومان بوده که سهم سازمان حسابرسی از این درآمد حدود ۱۲۰ میلیارد تومان است. یعنی خالص درآمد مؤسسات حدود مبلغ ۵۵۰ میلیارد تومان است.

من در جلسه‌ای خدمت دکتر مهرانی برای بررسی مشکلات و مسائل مؤسسات با سازمان تأمین اجتماعی بودم. خدمت ایشان عرض کردم که مؤسسات عضو جامعه برای اخذ مفاصا و سایر مسائل مشکل دارند. کل درآمد ما ۵۵۰ میلیارد تومان است که از این مبلغ درآمد به صورت برآوردی ۶۰ درصد حقوق و دستمزد است که در حدود مبلغ ۱۰۰ میلیارد تومان را بابت ۳۰ درصد حق بیمه سهم کارفرما و کارمند



حرفه‌ای که عوامل دیگری نیز در ایجاد پدیده‌ی نرخ‌شکنی مؤثر هستند. پس می‌بایست از نگاه ساده‌انگارانه به این پدیده اجتناب کرد و موضوع نرخ‌شکنی را در بسترهای مختلف اخلاقی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد مذاقه و بررسی قرار داد تا به نتیجه‌ی مطلوب و راه‌حل مناسب رسید.

◀ نظام‌الدین ملک‌آرایی:

آقای بیرانوند فرمودند که یک مشکل عمده‌ی این‌که حسابرسی در ایران به یک نیاز واقعی تبدیل نشده و در سطح یک ضرورت قانونی باقی مانده است، در بیرون از جامعه‌ی حسابداران رسمی است. اما به نظر من، تا زمانی که جامعه‌ی حسابداران رسمی قادر نباشد مشکلات خود را در درون حل کند یعنی مقررات حاکم بر جامعه حسابداران رسمی را اصلاح کند؛ قادر نخواهد بود مشکلات بیرونی را حل و فصل کند.

صنعت خاص تلاش می‌کنند از طریق نرخ‌شکنی و تحمل زیان (به دلیل این‌که درآمد قرارداد حسابرسی پایین‌تر از بهای تمام‌شده‌ی انجام کار حسابرسی خواهد بود) خود را در بازار هدف تثبیت کنند و سهمی از بازار را در اختیار بگیرند و سپس اقدام به تعدیل مبالغ خود کنند. نکته‌ی لازم به ذکر این است که مؤسسه‌ی حسابرسی نیز یک بنگاه اقتصادی است و اساساً با هدف کسب منافع شرکا تأسیس و فعالیت می‌کند. پس باید از سازوکارهای بازار و بنگاه‌داری آگاه باشد و با رعایت ضوابط حرفه‌ای به مقاصد انتفاعی مؤسسه توجه کند و با استفاده از روش‌های بخردانه و با نگاهی بلندمدت، ضمن حفظ جایگاه و اعتبار حرفه اقدام به بازاریابی و جذب مشتری کند، به‌عنوان مثال دستیابی به فناوری‌های روز دنیا در حوزه‌ی اجرای روش‌های انجام کار و کاهش زمان اجرا از جمله استفاده از سیستم‌های حسابرسی که اکنون در اغلب مؤسسات معتبر حسابرسی مورد استفاده قرار می‌گیرد. انجام حسابرسی مبتنی بر ریسک، استفاده‌ی مناسب از تکنیک‌ها و تحلیل‌های آماری به جای اجرای آزمون‌های محتوا در مواردی که طبق استانداردهای حسابرسی امکان این امر وجود داشته باشد.

۳- کاهش ضررهای مربوط به سربرار ثابت مؤسسه‌ی حسابرسی. برخی مؤسسات حسابرسی به دلیل محدود بودن پرتفوی کاریشان در زمان‌های افت کار (به عنوان مثال فواصل بعد از مجامع شرکت) به دلیل کاهش زیان ناشی از هزینه‌های سربرار ثابت مؤسسه اقدام به قبول پیشنهادهای ارجاع شده با قیمت‌های پایین (حتی پایین‌تر از بهای تمام‌شده‌ی کار) می‌کنند و با این اقدام عملاً موجب نرخ‌شکنی در حرفه خواهند شد.

بر این اساس، مشاهده می‌کنیم که نه‌تنها فقط عدم پای‌بندی به اخلاق

می‌کند و فعالیت اقتصادی می‌کند اصلاً پاسخ‌گو نیست. در سطح کلان یک‌سری شرکت‌های دولتی توسط سازمان حسابرسی بررسی می‌شوند، یک سری وزارتخانه‌ها، نهادها و سازمان‌ها هم به واسطه‌ی مأموریتی که دیوان محاسبات دارد یک بازرسی سالانه دارند ولی آیا حسابداری و حسابرسی و پاسخ‌گویی به معنای واقعی صورت می‌گیرد؟

وارد مقوله‌ی نرخ و حق‌الزحمه حسابرسی می‌شوم. مثلاً مناقصه‌ی اخیر شورای شهر تهران را در نظر بگیریم ما از حسابرسان مان دعوت کردیم و گفتیم این نرخ‌هایی که می‌دهید درست نیست برای ۱۰ منطقه شهرداری قیمت ۲۰۰ میلیون تومان بدهید. فرایند شناخت شهرداری تهران زمان‌بر است. فعالیت‌هایش چیست؟ سازمان‌هایش کدامند؟ با توجه به تنوع خدمات شهرداری، سؤالی که مطرح است چه‌گونه قرار است کار انجام شود؟ آیا قرارداد جبران هزینه‌ها را دارد؟ که توجیهات مختلفی ارائه می‌شود که هر کدام به نوبه‌ی خود جای بررسی دارد ولی عمده‌ی دلایلی را که در خصوص نرخ‌شکنی و کاهش قیمت در مؤسسات حسابرسی را می‌توان مد نظر قرار داد شامل این موارد است:

۱- انجام کار حسابرسی با کیفیت پایین (عدم پای‌بندی به اخلاق حرفه‌ای) و لذا برآورد پایین از بهای تمام‌شده‌ی کار، که امکان ارایه‌ی قیمت پیشنهادی پایین‌تر را به مؤسسه می‌دهد. البته در این زمینه جامعه‌ی حسابداران رسمی از طریق انجام نظارت‌های دوره‌ای و کنترل کیفیت مؤسسات حسابرسی سعی در کاهش این ریسک داشته است.

۲- بیرون کردن رقبا و به دست آوردن انحصار بازار حتی با تحمل زیان‌های کوتاه‌مدت. برخی مؤسسات حسابرسی برای کسب سهم بازار و یا ورود به یک

مصطفی جهانبانی:

قبل از این که وارد موضوع شوم بگویم که من این گونه به بحث نرخ خدمات حسابرسی نگاه نمی کنم. ما تفاوت در نرخ ارائه خدمات داریم نه نرخ شکنی. مؤسساتی هستند که در واقع از تکنولوژی به روز استفاده می کنند و قاعدتاً نرخ شان پایین تر است. مؤسساتی هستند که دارای شعب هستند، شعبی که در آن ها ممکن است نرخ استفاده یا به کارگیری نیروی انسانی پایین تر باشد. باید این بحث را تفکیک کنیم. یک بار این موضوع در شورای دوم هم مطرح شد. ما اصلاً اجازه ندادیم مصوب شود که به عنوان نرخ شکنی به آن نگاه کنیم. در شورای چهارم هم مطرح شد. گفتیم جایی که بین نرخ جدید و نرخ قبلی تفاوت وجود دارد، آن مورد در دستور کار کنترل کیفیت قرار بگیرد و کیفیت کارش بررسی شود. در بازار هم اگر ما نظام دولتی نرخ گذاری داشته باشیم سقف می گذاریم نه کف. بحث کیفیت مطرح است. در نتیجه به چند مبحث باید توجه کنیم. تا زمانی که شرایطی برای جامعه کلان مهیا نشود که حسابرسی پاسخ گوی اعتباردهی یا اطمینان بخشی خودش باشد ممکن است این تفاوت نرخ را ببینیم. تا زمانی که ما مدیر و مالک را از هم جدا نکنیم، تا زمانی که که مؤسساتی شکل نگیرند که خرد بازار، خرد منابع انسانی، خرد فنی و تکنولوژی و خرد پاسخ گویی شان را مدیریت کنند قاعدتاً این اتفاق می افتد. ما نمونه داشتیم که کسی با سن ۶۵ سال در روز تعطیل در محیط کارش سکنه کرد و فوت کرد. کسی که با چنین سابقه ای خودش می رود کار را انجام می دهد قاعدتاً نرخ کارش هم پایین تر خواهد بود. پس به نظر من باید موضوع را تفکیک کنیم. اول این که ذی نفعان خدمات ما اگر خسارت به آن ها وارد می شود مدعی می شوند، چه سازمان بورس و اوراق بهادار باشد،



با توجه به تصویری که از وضعیت موجود حرفه داده شد مسائل کلانی باعث شده که تقاضا برای خدمات حرفه ای کم شود، مؤسسات ضعف مالی داشته باشند، مؤسسات نوپا و کوچک باشند و نیاز به حضور در بازار داشته باشند تا بتوانند خودشان را معرفی کنند. از طرف دیگر خدمات غیر از اطمینان بخشی حجم کوچکی از فعالیت مؤسسات را در برمی گیرد. از جانب ثالث، در فصولی از سال هم دامنه ی تقاضا برای خدمات به شدت کاهش پیدا می کند و به سمت نرخ شکنی گرایش پیدا می کنند. این موضوع در دو دهه ی گذشته هم وجود داشته است. از آقای جهانبانی خواهش می کنم با توجه به سوابق حضورشان در شوراهای متعدد اقداماتی که در شورا برای طرح و حل این مسئله پیش بینی شده را مطرح کنند.

چه سازمان تأمین اجتماعی، سازمان مالیاتی، یا یک سهام دار.

مسئله ی دوم کلان است. چه کسی طبق قانون استاندارد می کند و کیفیت استاندارد را بررسی می کند؟ بحث بازار و رقابت مطرح است. درست است که نرخ می دهیم ولی ما کماکان این بحث را دولتی می بینیم. مؤسسات اگر بدانند بحث کیفیت مطرح است ناخودآگاه به سمت تنوع خدمات هم می روند. درست است که ما ۵ نوع خدمت را محدود کرده ایم اما گفتیم سایر خدمات را مؤسسات نمی توانند ارائه بدهند. مثلاً مؤسسات حرفه ای می توانند کانون های بحران را در شرکت ها شناسایی کنند؛ مثل بحران فروش، بحران تولید و بحران تأمین سرمایه در گردش. این یک کار حرفه ای است. یک بحث جامعه ی حسابداران مسئله ی کیفیت است. می گوید من نظارتم را انجام می دهم و مؤسسه با هر قیمتی خواست انجام دهد.

چرا می گوییم نرخ شکنی؟ همه اطلاعات را شما دارید. وقتی حسابرسی عوض می شود حسابرسی بعدی مکلف است با شما مکاتبه کند و بگوید به چه قیمت گرفته است. بازار ما کوچک است. ما چند شرکت در بورس داریم که بالای ۷۰۰ میلیارد تومان درآمد دارند؟ بعد از سازمان حسابرسی درآمد ۳۰۰ مؤسسه ی ما زیر ۷۰۰ میلیارد تومان است. با نرخ ارز فعلی این میزان درآمد چه قدر می شود؟ این مبلغ برای کل حرفه ای است که ۱۸۰۰ نفر درگیرش هستند. ما به عنوان جامعه ی حسابداران چه قدر در توسعه بازار سهم داشته ایم؟ بخشی از توسعه ی بازار شناساندن خدمات به اعضا است. چه قدر نشستیم برای خود اعضا مؤسسه داری و استاندارد را یاد بدهیم؟ چه شرایطی مهیا کرده ایم که مؤسسات کوچک به قول شما نروند کار بانک انجام بدهند؟ آن ها اصلاً شرایط انجام آن را ندارند ولی



روش‌های سنتی جواب نمی‌دهد و باید به این موضوع توجه خاص کنیم. ما امروز به راحتی می‌توانیم دسترسی به قیمت‌های جهانی درباره‌ی خرید کالاها داشته باشیم ولی چند نفرمان می‌رویم این کار را انجام دهیم؟

◀ نظام‌الدین ملک‌آرایی:

هر پدیده‌ای را باید در قالب محیطی که در آن قرار دارد مطالعه کنیم. اگر موضوع رقابت ناسالم و نرخ‌شکنی در ایران را با کشورهای پیشرفته مقایسه کنیم به یک نتیجه می‌رسیم و اگر با توجه به اوضاع و احوال اقتصادی و اجتماعی کشور مورد مطالعه قرار دهیم به نتایج متفاوتی خواهیم رسید. بنابراین، اجازه دهید این دو پدیده را در چارچوب فعالیت‌های مؤسسات حسابرسی در ایران مورد بررسی قرار دهیم.

◀ مهدی بیرانوند:

در جلسات اخیر شورای عالی جامعه موضوعاتی را درخصوص حق‌الزحمه حسابرسی مطرح کردیم که شاید در اقتصاد آزاد این مقوله اصلاً موضوعیتی نداشته باشد و بایستی حق‌الزحمه‌ها در

مصطفی جهانپانی:
تا زمانی که ما مدیر و مالک را از هم جدا نکنیم، تا زمانی که که شکل‌گیرنده خرد بازار، خرد منابع انسانی، خرد فنی و تکنولوژی و خرد پاسخ‌گویی شان را مدیریت کنند قاعداً این اتفاق می‌افتد

کنیم تا مؤسسات نخست در طبقه‌ی کار خودشان قرار بگیرند. دوم پاسخ‌گو باشند. کاری که ما در جهت توسعه‌ی بازار در سازمان مالیاتی کردیم کار بسیار خوبی بود. کاری که با سازمان تأمین اجتماعی کردیم هم بازار کار را توسعه داد. شما می‌توانید مثلاً درباره‌ی شهرداری کشور و برای مؤسسات کوچک هم شرایط کار را مهیا کنید. پس باید به این موضوع توجه کنیم که کاهش قیمت گاهی دلیل منطقی دارد ضمن این که ما هیچ کمکی نکرده‌ایم. نرخ متغیر را هم افزایش دادیم ولی چه کمکی کردیم که حداقل در این بازار مثلاً یک نرم‌افزار در خدمت مؤسسات حسابرسی قرار بدهیم. ما مشکل داریم ولی شاید شما به عنوان جامعه‌ی حسابداران بتوانید نرم‌افزار بخرید. آیا مثلاً کار بانک را نه با قیمت ۱۵۰ میلیون بلکه با قیمت ۱ میلیارد هم می‌توان به روش سنتی انجام داد؟ سؤال است که آیا می‌شود ۳۰۰۰ شعبه و مجموع تراکنش‌هایش را با روش‌های غیرماشینی و بدون استفاده از تکنولوژی روز انجام داد؟ ما چه ابزاری در اختیار داریم؟ چه تغییراتی در افکار مؤسسات حسابرسی داده‌ایم؟ امروز در رسیدگی‌ها

ما چه کاری برایشان انجام داده‌ایم؟ به نظر من این‌گونه نباید به بحث نگاه کرد، من بیش‌تر تفاوت نرخ می‌بینم تا قیمت‌شکنی.

در بحث شهرداری تهران بیش‌تر از این که من حسابرس تقبیح شوم باید خود اعضای شورا مورد مؤاخذه قرار بگیرند. این بازار عرضه و تقاضا است. خدمات ما باید تعریف‌شده باشد. البته خدمات شهرداری کمی با شرکت‌ها متفاوت است و خاص است. آن چه که در شورا مطرح شد این بود که نباید به این شکل با خدمات برخورد کرد. قضیه خیلی هیجانی بود و بخشی هم تبلیغ علیه مؤسسات حسابرسی بود. رقبای ما خیلی جدی کوچک‌ترین مطالب را نگاه می‌کردند تا بگویند مؤسسات حسابرسی کفایت و شایستگی و حق حضور ندارند. اگر هم تفاوت وجود دارد جامعه‌ی حسابداران باید لیستش را ببینند. مگر ما چند مؤسسه داریم؟ ۳۰۰ مؤسسه داریم. هر کس تفاوت داشت دلایلش را بگوید ما پرونده‌اش را نگاه می‌کنیم. استاندارد‌ها هم خوشبختانه وجود دارد. به نظر من باید این فشارها را کم کنیم. باید ببینیم چه شرایطی فراهم



هر کسی نتوانست رقابت کند می‌رود. در نوسانات ارز آقای دکتر خجسته بگویند چه قدر از بازار حذف شدند؟ چه قدر نیروهای جدید می‌آیند؟ بعد از تصویب مالیات بر ارزش افزوده چه قدر از بازار بیرون رفتند؟ پس باید به این موضوع توجه کنیم. اگر یک بنگاه هستیم یک‌سری قوانین و مقررات بر آن حاکم است. ما باید رقیب را ببینیم و امکانات خود را افزایش دهیم.

مصطفی جهانبانی: مؤسسات حرفه‌ای می‌توانند کانون‌های بحران را در شرکت‌ها شناسایی کنند؛ مثل بحران فروش، بحران تولید و بحران تأمین سرمایه در گردش. این یک کار حرفه‌ای است

◀ نظام‌الدین ملک‌آرایی:

رقابت اقتصادی و نرخ شکنی دو مقوله‌ی جدا از هم است که هریک باید به‌طور جداگانه مورد مطالعه قرار گیرد. رقابت اقتصادی، یکی از انواع رقابت است که می‌تواند به شکل سالم یا ناسالم در هر جامعه نمود پیدا کند. در رقابت سالم یا مثبت، افراد خود را، عضو یک خانواده می‌بینند و برای باورند که، رقیب کاری‌شان باعث اعتبار خواهد شد. رقابت سالم، پایه‌ی پیشرفت در هر کشور است که تنها از طریق رعایت اصول و موازین اخلاقی امکان‌پذیر است. بنابراین، هرگونه رقابتی که خارج از چارچوب اخلاقی و ارزشی باشد رقابتی

که ما به مشتری بگوییم جامعه‌ی حسابداران رسمی کمتر از این مبلغ را قبول نمی‌کند. ولی ما اعتقاد داریم که شأن جامعه این نیست که وارد مقوله‌ی نرخ‌گذاری شود. حسابرسی یک فرایند پیچیده است و شرایط کار، نوع تکنیکی که استفاده می‌کنیم، متغیرهای کمی، متغیرهای کیفی و ریسک حسابرسی باعث می‌شود که نرخ‌های متفاوتی ارائه شود.

◀ مصطفی جهانبانی:

ما تکلیف‌مان را باید روشن کنیم. مؤسسات حسابرسی بنگاه اقتصادی هستند که قوانین و مقرراتی مثل آیین رفتار حرفه‌ای و استانداردهای حسابداری حاکم بر آن است؛ یا نه ما فقط می‌خواهیم خدمات حرفه‌ای بدهیم و بنگاه اقتصادی نیستیم. این نکته‌ی کلیدی است که اگر بنگاه هستیم رقابت هم در آن وجود دارد. این مسئولیت‌گریزی است که همه برویم پشت جامعه‌ی حسابداران مخفی بشویم و بگوییم تو برای من تعیین کن چه قیمتی بدهم. من باید بروم یاد بگیرم چه‌گونه رقابت کنم. در هر بازاری هم

عرضه و تقاضا و بازار رقابتی تعیین شوند ولی در شرایط کشور ما به صورت خاص و در اقتصادی که انحصار در آن وجود دارد باید یک سری ضوابط پیش‌بینی کنیم. به‌طور مثال حسابرسان را از مناقصه منع کنیم، حق‌الزحمه‌ی سال جدید از سال قبل کم‌تر نباشد و هر مؤسسه‌ای پایین‌تر از مبلغ سال قبل قرارداد منعقد کند اگر ناشی از کاهش عملیات باشد شاید توجیه منطقی باشد ولی اگر نبود باید توجیهات لازم را ارائه کند. یک سری ضوابط دیگر هم گذاشتیم. نکته‌ی دیگر این که در جلسات ماهانه‌ای که با اعضا داشتیم برخی از همکاران خواهان این قضیه هستند که جامعه هم وارد مقوله‌ای مثل کانون کارشناسان رسمی دادگستری بشود. نظر آن‌ها این است که جامعه یک نرم‌افزار روی سامانه تعبیه کند و آن‌ها با یک سری داده مثل جمع دارایی، جمع درآمد، تعداد کارکنان، تعداد اسناد حسابداری، پراکندگی جغرافیایی، نوع صنعت و ... مبلغ حق‌الزحمه را تعیین کنند. مؤسسات می‌گویند در این بازار ما حریف مشتری نمی‌شویم. اتفاقاً اعضا می‌گویند یک سیستم بگذارید



جمع‌بندی بحث این بود که ضرورتاً هر تفاوت نرخي نرخ‌شکني نیست و می‌تواند ناشی از مقیاس فعالیت مؤسسات، یا نوع فناوری باشد. از آقای دکتر حساس یگانه، هم به عنوان عضو شورا و هم به عنوان دانشگاهی خواهشمند وضعیت رقابت در بازارهایی مثل خدمات حرفه‌ای حسابرسي را مشخص کنند.

❖ يحيی حساس یگانه:

چیزی که مشخص است و در بازار آزاد هم وجود دارد این است که یا باید دستوری نرخ بدهیم یا آزاد. ولی این در جامعه مشخص نیست. اگر بازار آزاد باشد ممکن است یک شرکت بگوید اگر اسم فلانی در گزارش من باشد یک دنیا می‌ارزد و در بورس قبول‌مان می‌کنند و حاضر است گران‌تر هم بدهد. ولی اگر کسی بلد نباشد اصلاً کار را به او نمی‌دهند. اگر جامعه بازار آزاد است

مورد پیدا می‌کند. حق‌الزحمه‌ی خدمات حسابرسي در ایران، ابتدا به‌وسیله‌ی شورای اقتصاد تعیین و به سازمان حسابرسي ابلاغ می‌شود و سپس با تغییرات جزئی در جامعه‌ی حسابداران رسمی ملاک عمل قرار می‌گیرد. بنابراین، مؤسسات حسابرسي در موارد بسیاری مجبور می‌شوند به جای این که حق‌الزحمه‌ی فروش خدمات حسابرسي را از طریق محاسبه‌ی بهای تمام‌شده‌ی کار تعیین کنند مبادرت به محاسبه‌ی بهای تمام‌شده‌ی ساختگی برپایه‌ی حق‌الزحمه‌ی ازپیش تعیین‌شده یا دستوری کنند. این شیوه‌ی کار در موارد بسیاری می‌تواند از کیفیت کار حسابرسي بکاهد. جامعه‌ی حسابداران رسمی وظیفه دارد با اصلاح مقررات خود که در موارد بسیاری با قانون تشکیل جامعه‌ی حسابداران رسمی سازگار نیست، همچنین تقویت کارگروه کنترل کیفیت جامعه و کسب اطمینان از رعایت ترکیب نیروی مناسب در هر کار حسابرسي و رعایت آیین‌نامه‌ی سقف مجاز، به‌وسیله‌ی مؤسسات حسابرسي موجبات ارتقای کیفیت کار حسابرسي را فراهم کند.

❖ مصطفی جهانبانی:

مثالی بزنم. مؤسسه‌ای ۱۵ سال است حسابرسي یک مجموعه است یعنی تقریباً از اوایل تأسیس جامعه‌ی حسابداران رسمی. به فعالیت‌های شرکت افزوده نشده است. هر سال رفته به استناد این که ۷۰ درصد هزینه‌اش هزینه منابع انسانی است به اندازه‌ی رشد دستمزد در قانون کار به حق‌الزحمه اضافه کرده است. حالا به هر دلیلی یک آدم عاقلی آمده و به آن‌ها گفته حسابرسي تان را عوض کنید. حسابرسي بعدی یک پنجم قیمت قبلی هم قیمت بدهد خوب قیمت داده است. چون ۲۰ درصد هر سال نباید افزایش پیدا می‌کرده است.

ناسالم و غیرسازنده به شمار می‌آید. جامعه‌ی حسابداران رسمی وظیفه دارد، با آموزش صحیح و ایجاد انگیزش سازنده، رقابت‌های ناسالم در حرفه‌ی حسابرسي را، به سوی رقابت‌های سالم و سازنده سوق دهد.

اما نرخ‌شکني با رقابت ناسالم تفاوت دارد. اصولاً استفاده از اصطلاح نرخ‌شکني زینده‌ی حرفه‌ی حسابرسي نیست و زمانی مطرح می‌شود که حق‌الزحمه‌ی حسابرسي برپایه‌ی نرخ‌های دستوری از پیش تعیین‌شده یا مناقصه، محاسبه می‌شود که هر دو با ماهیت کار حسابرسي حرفه‌ای فاصله‌ی زیادی دارد.

از آن‌جا که میزان حق‌الزحمه‌ی حسابرسي در برنامه‌ریزی و کیفیت کار حسابرسي مؤثر است محاسبه‌ی آن در هر کار باید برپایه‌ی ساعات کار مستقیم، سایر هزینه‌های مستقیم و هزینه‌های سربار قابل‌تخصیص و با احتساب مخاطرات حسابرسي و سود موردانتظار انجام گیرد. بدیهی است در این محاسبه، وجود واحد حسابرسي داخلی قوی، نظام حاکمیت شرکتی و کمیته‌ی حسابرسي در واحد مورد رسیدگی و تخصص ویژه در حسابرسي صنعت خاص، موجب کاهش مخاطرات حسابرسي و کاهش حق‌الزحمه‌ی حسابرسي می‌شود.

مشکل‌ترین کار در فرایند حسابرسي، برآورد ساعات کار مورد نیاز برای انجام عملیات حسابرسي و به‌کارگیری نیروهای مناسب است. به‌کارگیری نیروهای ماهر در کار حسابرسي، تشکیل واحد کنترل کیفیت و واحد آموزش و تحقیقات در مؤسسات حسابرسي از جمله عوامل مؤثر در بهبود کیفیت کار حسابرسي به‌شمار می‌آید. حال اگر، حق‌الزحمه‌ی رده‌های حسابرسي درگیر هر کار درست انتخاب نشود یا از نرخ‌های ازپیش تعیین‌شده پیروی شود، تمایل به کاهش کیفیت کار حسابرسي



نرخ را بازار تعیین می‌کند. جامعه‌ی حسابداران وظیفه‌اش تولید و کنترل این است که در شرایط موجود حق‌الزحمه‌ی کارورز چه‌قدر است؟ سرپرست چه‌قدر است؟ و بررسی کند که همه‌ی موارد به‌روز باشد. باید بگذاریم خود بازار عمل بکند. ما اگر بگوییم این‌قدر قیمت می‌دهیم و سقف این‌قدر است به سیستم شوری و چین سابق برگشته‌ایم. آن‌جا هم همین‌طور بود. بعد که بورس چین فعال شد و بورس شنزن و شانگهای و بورس‌های بزرگ‌شان شکل گرفت دیگر شرکت‌های خارجی آمدند و همه چیز آزاد شد. باید تکلیف‌مان را روشن کنیم. ما وظیفه‌ی پایش اعضای جامعه را داریم چون اگر لطمه‌ای به جامعه وارد شود اسم حسابداران رسمی خراب می‌شود. ما مسئولیت مشترکی داریم. این فرهنگ را در مجله و جلسات باید توسعه دهیم. خطای من فقط خطای شخص من محسوب نمی‌شود چون عضو جامعه‌ی حسابداران رسمی هستم. این دید را باید

پرورش دهیم. در سمینارها یک بار هم در این باره صحبت نشده است. کنترل هم باید بکنیم، این‌که ساعت کار کارورز با آن‌چه کنترل کیفیت نشان می‌دهد فقط این نیست که گزارش خوب و چند تا بند خوب نوشته باشد. این‌ها باید با هم هماهنگ شود. آیا این‌قدر بند لازم بوده یا می‌خواسته نشان بدهد من خیلی کار کرده‌ام؟ زمان آقای کرباسچی همه کارهای شهرداری دست من و مرحوم داوود رضوی بود. بچه‌ها را می‌فرستادیم بهشت زهرا اما هیچ‌کس نمی‌رفت. جوان‌ها هم نمی‌رفتند. من خودم رفتم. از زمانی که آمبولانس سراغ مرده می‌رود تا تصفیه‌حساب و تأثیرش در صورت‌های مالی را بررسی کردم. این‌که چه‌گونه زمین قبر را انتخاب می‌کنند؟ چه‌گونه پول می‌دهند؟ و ... را مستند کردم. مدیران ما اصلاً درگیر حسابرسی نمی‌شوند. بحث دوم این است که باید بررسی هم‌پیشگان را گسترش دهیم. اگر آن را درست کنیم تأثیر زیادی دارد. در خارج هم همین‌طور است. چه کسی بهتر از شما می‌تواند کار ما را بررسی کند؟

◀ مهدی بیرانوند:

ما باید بینیم نرخ‌شکنی را چه چیزی تعریف می‌کنیم. رقابت ناسالم معنای دیگری دارد.

◀ نظام‌الدین ملک‌آرایی:

نرخ‌شکنی در حسابرسی به یک عامل بستگی ندارد. عوامل گوناگونی در یک دور تسلسل بر هم اثر متقابل دارند و موجبات نرخ‌شکنی را فراهم می‌کنند. در هر حال، انجام کار حسابرسی از طریق مناقصه یا برپایه‌ی نرخ‌های دستوری، طبقه‌بندی مؤسسات حسابرسی به معتمد و غیرمعتمد، رتبه‌بندی غیرمرسوم مؤسسات حسابرسی و طبقه‌بندی آن‌ها به الف و ب و ج و در نهایت رقابت در محیط اقتصادی دولتی

و دستوری، از جمله عوامل مؤثر در رقابت ناسالم و نرخ‌شکنی است.

◀ مهدی بیرانوند:

دوستان همه قبول دارند که هر تفاوت یا تعدیل نرخ‌ی نرخ‌شکنی نیست. نرخ‌شکنی چیست؟ در ادبیات اقتصادی نرخ‌شکنی یا رقابت ناسالم اقتصادی عبارت است از فروش یک کالا یا آرایه‌ی یک خدمت (مثل حسابرسی) با قیمتی کم‌تر از هزینه‌های تمام‌شده‌ی تولید آن کالا یا آرایه‌ی آن خدمت، پس شرط انجام نرخ‌شکنی انجام کار با درآمدی کم‌تر از بهای تمام‌شده‌ی واقعی کار است. در حقیقت می‌توان گفت در حرفه‌ی حسابرسی نیز آرایه‌ی قیمت به مبلغی کم‌تر از بهای تمام‌شده‌ی واقعی کار به معنای نرخ‌شکنی است. البته در این‌جا باید به این نکته توجه داشت که بهای تمام‌شده‌ی کار حسابرسی از چند بعد تشکیل شده است که این امر امکان محاسبه‌ی بهای تمام‌شده‌ی حسابرسی را با دشواری بیش‌تری نسبت به سایر حرفه‌ها مواجه می‌کند.

ابعاد مختلف حق‌الزحمه‌ی حسابرسی را می‌توان به سه دسته‌ی اصلی تقسیم کرد؛ متغیرهای کمی و متغیرهای کیفی و ریسک حسابرسی. متغیرهای کمی وابسته به ساعات کار پرسنل حسابرسی و سایر هزینه‌های متغیر و هزینه‌های سربار ثابت از جمله هزینه‌های اجاره و استهلاک و... است. متغیرهای کیفی اما شامل طیف وسیع‌تری می‌شوند به‌عنوان مثال، مهارت و دانش کسانی که خدمات را ارائه می‌دهند، سطح آموزش و تجربه‌ی افرادی که خدمات را ارائه می‌دهند، مدت زمانی که ما برای ارائه‌ی خدمات صرف می‌کنیم، و...

اما در انتها در قیمت‌گذاری کار حسابرسی به جز متغیرهای کیفی و کمی، میزان ریسکی که حسابرس تحمل می‌کند یعنی صرف ریسکی که حسابرس



به دلیل خطر طرح دعاوی دادگاهی و زیان‌های آتی احتمالی صاحب‌کار در نظر می‌گیرد، نیز به‌عنوان بخشی از بهای تمام‌شده‌ی کار در نظر گرفته می‌شود. نکته‌ی دیگر اینکه موضوع برند و قدمت مؤسسات حسابرسی را نباید در تعیین حق‌الزحمه‌ی حسابرسی فراموش کنیم.

❖ یحیی حساس یگانه:

ما هنوز در دوران اقتصاد کوپنی به سر می‌بریم. ما باید بازار آزادی نگاه کنیم. شما باید ببینید فلان مؤسسه وقتی فلان قیمت را می‌دهد و سرپرست و مدیر و کمک حسابرسش مشخص است آیا آن‌ها صلاحیت این ارقام را دارند یا نه. یعنی تیمی در مجموعه‌ی جامعه باید وجود داشته باشد که این قیمت‌ها را به هنگام داشته باشد و اطلاعات شرکت‌های مختلف را به ریز گرفته باشد. بعد به یک میانگین حداقلی برسد، رده‌ی مؤسسات را هم باید در نظر بگیرد، آن‌گاه یک قیمت مشخص می‌شود. شما باید معیار برای این کار داشته باشید. ما به یک بانک اطلاعاتی جامع نیاز داریم.

❖ عیسی شهسوار خجسته:

من در حال حاضر از حرفه‌ی حسابرسی ارتزاق نمی‌کنم. اولین سؤالی که در ذهنم مطرح شد این بود که مگر جامعه‌ی حسابداران رسمی یا یک مرجع رسمی قبلاً برای این حرفه یک نرخ‌نامه اعلام نکرده است؟ آن‌چه برای سازمان حسابرسی مشخص شده ماجرایش متفاوت است چون یک سازمان دولتی است. وقتی می‌گوییم نرخ‌شکنی معنا و مفهومش این است که عده‌ای از مؤسسات دارند از یک ابلاغیه تخطی می‌کنند. وظایف جامعه‌ی حسابداران رسمی هم صیانت از حرفه است، هم دفاع از حقوق حقه‌ی اعضای جامعه‌ی حسابداران رسمی و هم صیانت از حقوق مردم و همه‌ی ذی‌نفعان و در این زمینه یک مسئولیت اجتماعی بزرگ داریم. ما یک جامعه‌ی صنفی نیستیم که به دنبال منافع صنفی خود باشیم، اینجا جامعه‌ای است که در قبال مردم و اشخاص ثالث مسئولیت سنگین‌تری دارد. به نظر می‌رسد که ظاهراً در بین حسابداران با پدیده‌ای مواجه هستیم که از منظر جامعه‌ی حسابداران مذموم تلقی می‌شود. آن پدیده چیست؟ رقابت

نظام‌الدین ملک‌آرایی:
وجود واحد حسابرسی داخلی قوی، نظام حاکمیت شرکتی و کمیته‌ی حسابرسی در واحد مورد رسیدگی و تخصص ویژه در حسابرسی صنعت خاص، موجب کاهش مخاطرات حسابرسی و کاهش حق‌الزحمه‌ی حسابرسی می‌شود

ناسالم از یک سو و از سوی دیگر عدم کفایت درآمد مؤسسات حسابرسی برای ادامه‌ی حیات و ماندگاری. ما چند مسأله را در هم ادغام کرده‌ایم. واقعیت این است که بالاخره در پدیده‌های اجتماعی ناگزیر باید مقتضیات زمانی و مکانی و شرایط جامعه را هم در نظر بگیریم. به نظر می‌رسد که اولین کاری که باید بکنیم این است که دلایل پدید آوردن این پدیده را مورد شناسایی قرار دهیم. قطعاً این دلایل فقط و فقط به مسائل درون‌سازمانی محدود نمی‌شود. بدون تردید آن‌چه که در محیط ما می‌گذرد حتماً مؤثر است، بالاخره مؤسسات حسابرسی هم به عنوان یک سری بنگاه اقتصادی از عوامل محیطی تأثیر می‌گیرند. با شرایط فعلی جامعه‌ی ما، کار برای مؤسسات حسابرسی کوچک کافی نیست. این‌که چرا اینطور شده یک دلیل بزرگ این بوده که دولت به جای این‌که حمایت کند سازمان حسابرسی را گسترده‌تر و حوزه‌ی فعالیتش را بیش‌تر کرده است. این موضوع تأثیر منفی داشته است. از سویی گفته می‌شود در این حرفه کار دست‌دوم مذموم تلقی می‌شود ولی از



سوی دیگر یک تشکیلات بزرگ دولتی درست کرده‌اند با یک حوزه‌ی مسئولیت و اختیارات بسیار وسیع. شخصاً باورم این است که دولت باید یک نهاد حسابرسی داشته باشد اما نه با این موضوع فعالیت. نگرش خود اعضای جامعه‌ی حسابداران رسمی و تدوین‌کنندگان قانون جامعه و مهم‌تر متن اساسنامه قطعاً نیازمند به بازنگری است.

نگاه تنگ‌نظرانه‌ی عجیبی در این زمینه وجود داشت که من از آن به عنوان خودزنی یاد می‌کردم. مگر می‌شود اصلاً مقوله‌ی مؤسسات حسابرسی و حرفه‌ی حسابرسی را از مقوله‌ی مدیریت در بنگاه‌های اقتصادی جدا کرد؟ امروزه مؤسسات حسابرسی معتبر در سطح دنیا حتی روی گزارش‌های غیرمالی‌شان فقط برای اعتباردهی به آن گزارش مهرشان را می‌زنند. مگر قرار نشد که تمام این مطالعات فنی و اقتصادی و طرح‌های سرمایه‌گذاری توسط مؤسسات و شرکت‌هایی تهیه شود که عضو آن قانون مشاوران اعتباری و سرمایه‌گذاری باشند؟ چرا این را گفتند؟ برای این که هر کسی نتواند عهده‌دار این کار شود. گفتند یک نهاد تخصصی باشد که به

بقیه تأییدیه بدهد و افراد شناسنامه‌دار باشند یعنی معلوم باشد که این عنصر و این شخصیت شناسنامه‌اش چیست. این اتفاق در جامعه ما هم باید بیفتد.

در مورد رقابت ناسالم باید گفت آیا ما فضای رقابتی سالم را نه فقط برای حسابرسان اصلاً برای فعالان اقتصادی در جامعه فراهم کرده‌ایم؟ حسابرسی هم تافته جدا بافته از آن نیست. آیا فضایی هست که افرادی که ذهن خلاق دارند و می‌توانند کارآفرینی و نوآوری کنند بر پایه‌ی خلاقیت‌هایشان بتوانند نقش‌آفرینی کنند؟ نمی‌خواهم بگویم اصلاً نیست بالاخره در شرکت‌های دانش‌بنیانی که الان می‌بینیم برخی استارت‌آپ‌ها موفق بوده‌اند اما بحث ما در مورد عمومیت است. بالاخره همیشه تک‌ستاره‌ها در همه جای دنیا وجود دارند. اما تعداد بی‌شماری هستند که افکار خلاقانه و نوآورانه‌ای دارند ولی فضا فضایی نیست که برای آن‌ها آماده باشد.

به نظرم اگر می‌خواهیم این پدیده‌ی مذموم (رقابت ناسالم) را ریشه‌کن کنیم نیازمند یک پژوهش علمی است. این

عیسی شهسوار خجسته: ما یک جامعه‌ی صنفی نیستیم که به دنبال منافع صنفی خود باشیم؛ اینجا جامعه‌ای است که در قبال مردم و اشخاص ثالث مسئولیت سنگین‌تری دارد

پژوهش علمی می‌تواند متوجه کل فعالیت‌های اقتصادی جامعه شود. ما در حرفه‌ی خودمان داریم نگاه می‌کنیم با این پذیرش که مؤسسه‌ی حسابرسی هم بالاخره یک فعالیت اقتصادی است منتها فعالیت اقتصادی‌ای که یک مقدار اصول و ضوابطش با هر بنگاه دیگری تفاوت دارد. البته این به این معنا نیست که بنگاه‌های دیگر این اصول را ندارند. مسئولیت اجتماعی که بنگاه‌های اقتصادی امروز دارند اصلاً در ادبیات مدیریت یکی از اصول مهم است. اگر کسی بخواهد برود یک مدرسه تاسیس کند باید برود مجوزش را از وزارت آموزش و پرورش بگیرد و یک سری اصول را هم رعایت کند. اگر کسی بخواهد مؤسسه‌ی حسابرسی تاسیس کند هم همین‌طور است. رقابت ناسالم فسادزا است. رقابت ناسالم به این‌جا منجر می‌شود که یک مؤسسه‌ی حسابرسی، صورت مالی یک شرکت کاغذی را امضا می‌کند. جامعه‌ی حسابداران رسمی این مسئولیت خطیر اجتماعی را در این قبال دارد.

همان‌طور که آقای دکتر جهانبانی اشاره فرمودند ارزیابی کیفی خیلی مهم



است یعنی ملاک‌هایی را تعیین کنیم که بر اساس آن مؤلفه‌ها بایستی تعیین قیمت شود. این اشکالی ندارد و خیلی هم خوب است. این اتفاق به صاحب‌کار هم دید می‌دهد. یکی از کم‌کارهایی که شده و دلیل عدم احساس نیازی که همه ما می‌گوییم در جامعه نسبت به حرفه‌ی حسابرسی وجود دارد عدم شناخت آگاهی جامعه از تأثیرات حرفه است. هنوز که هنوز است حتی فعالان اقتصادی ما، حتی بنگاه‌های اقتصادی ما آن شناخت عمیق ملموسی را که باید نسبت به تأثیرگذاری نتایج کار حسابرسان در فعالیت‌های خودشان و در پیشبرد خودشان داشته باشند نمی‌دانند و از آن آگاهی ندارند. به اعتقاد من این رسالت جامعه‌ی حسابداران رسمی است. ما باید این حرفه را به جامعه بشناسانیم. فقط با کتاب نوشتن و تیزر تبلیغاتی و مصاحبه جواب نمی‌دهد و باید همه روش‌ها را در خدمت بگیریم. ضمناً دنیا دائماً در حال تغییر و تحول است و طبیعی است که حرف امروز ممکن است فردا موضوعیت نداشته باشد. در یک جاهایی بدون به کارگیری تکنولوژی جدید اصلاً یک‌سری از کارها امکان‌پذیر نیست. ما باید این ملاک‌ها را تهیه کنیم و حرفه را بشناسانیم و بر اساس این شناخت بگوییم اگر یک مؤسسه‌ی حسابرسی به شما مراجعه کرد و به شما قیمت داد یادتان شاید این ملاک‌ها را در تعیین قیمت دیده باشد.

◀ نظام‌الدین ملک‌آرایی:

بدیهی است که عوامل بیرونی بر هر سازمان تأثیر می‌گذارد اما اگر سازمانی بنیه و امکانات داخلی خود را از پیش برای تغییرات در محیط بیرونی تجهیز کرده باشد طبعاً قادر خواهد بود مسائل بیرونی را به‌آسانی حل کند یا از عوارض منفی آن بکاهد.

◀ یحیی حساس یگانه:

به نظر من، شورای عالی جامعه باید تیمی تشکیل دهد که خودش ضوابط نرخ را تعیین کند.

◀ ساسان مهرانی:

ممکن است برخی بگویند سال اول قیمت زیاد بدهیم و سال‌های بعدی که یاد گرفتیم چه کنیم قیمت را پایین می‌آوریم. آیا آن‌ها کار غیرحرفه‌ای کرده‌اند؟ یک عده هم برعکس می‌گویند سال اول را قیمت کم می‌دهیم برای این که سال‌های بعدی مشتری ما بشود. جامعه حتماً با چنین معضلی مواجه شده است. این قضیه چه بخواهیم و چه نخواهیم وجود دارد. من الان مردد هستم که در مورد قیمت باید دخالت بکنیم یا نکنیم و آیا باید برخورد کنیم؟

دلایل خیلی زیادی برای کاهش نرخ حق‌الزحمه وجود دارد. من می‌خواهم مشتری جذب کنم. آیا ایرادی

این‌ها مؤلفه‌هایی است که تأثیرگذار است. قیمت این مؤلفه را بازار تعیین می‌کند. در این صورت هم حرفه می‌تواند توسعه پیدا کند هم از آن صیانت کنیم هم این که از بین خود اعضای ما هم اگر خدای نکرده کسی قصد کج‌روی داشته باشد بفهمد که نمی‌تواند. کنترل و نظارت همیشه به کار گرفتن روش‌های مستقیم نیست که من بروم بالای سر مؤسسه حضور پیدا کنم. این که شما

دارد؟ مگر نمی‌گویید بازار رقابتی است؟ من در مؤسسات دیده‌ام که واقعاً تداوم فعالیت برخی‌شان زیر سؤال است. مشخص است که کسی که زیر ۱ میلیارد تومان درآمد دارد نمی‌تواند ادامه دهد. بالاخره باید چه کرد؟ حمایتش کرد یا نکرد؟ معضلات در این زمینه زیاد است.

◀ مصطفی جهانبانی:

رقابت ناسالم، نرخ شکنی و امضافروشی سه مقوله‌ی متفاوت هستند و باید از هم تفکیک شوند.

◀ مهرانی:

می‌خواهم از زاویه دیگری به قضیه‌ی نگاه کنم. جناب جهانبانی چون می‌دانم شما مؤسسه حرفه‌ای دارید یک سوال می‌پرسم. فرضاً من کارمند شما هستم. به من می‌گویید برو این کار را بررسی کن پنج ساعت هم زمان داری. من می‌روم می‌بینیم پنج ساعته امکان‌پذیر نیست.



کیفیت اشکال دارد. در استانداردهای حسابرسی بخش پذیرش و بخش کیفیت کار وجود دارد.

« عیسی شهسوار خجسته:

به نظرم در این قضیه اصلاً نباید سفید و سیاه نگاه کنیم و بستگی به نوع مدیریت دارد. اما یک نکته وجود دارد. وقتی می‌گوییم عدم رقابت سالم به سوی دیگر قضیه هم باید توجه کنیم، این که در جامعه‌ی ما یک عده در شرایط ویژه‌ای قرار دارند و مناسبات ویژه‌ای برقرار می‌کنند که بر پایه‌ی آن مناسبات هرچند ممکن است صلاحیت حرفه‌ای لازم را هم داشته باشند اما کارهای بزرگ را در انحصار خودشان در می‌آورند و با قیمت‌های خیلی مناسب و درآمد کلانی از آن خود می‌کنند. این هم یک واقعیت است. این یعنی وجود فضای ناسالم رقابتی. پس مسائل را نباید با هم خلط کرد.

« ساسان مهرانی:

ما با این معضل مواجه هستیم ولی آقای جهانبانی می‌گویند این گونه نیست. من خودم در مؤسسه‌ای بودم که می‌گفت من کار حسابرسی دانشگاه تهران را می‌خواهم به هر قیمتی که شده بگیرم چون اگر این کار را بگیرم ۳۰ کار دیگر هم می‌گیرم. حالا ممکن است کارشان را هم درست انجام دهند ولی این مشکل وجود دارد.

نکته‌ی مهم این است که در حقیقت تفاوت نرخ را با رقابت ناسالم نباید یکی گرفت.

« نظام‌الدین ملک‌آرایی:

رقابت ناسالم ناشی از عدم رعایت اصول و موازین اخلاقی است اما نرخ شکنی الزاماً این طور نیست.

« ساسان مهرانی:

سوال این است که وقتی من

متخصص هستم باید نرخ بالاتر بگیرم یا چون می‌توانم کار را با کیفیت خوب ولی در زمان کم‌تری انجام بدهم باید قیمت را پایین بیاورم؟

« نظام‌الدین ملک‌آرایی:

اگر حسابرسی را یک فعالیت اقتصادی قلمداد کنیم یک تفاوت جدی با سایر فعالیت‌های اقتصادی دارد و آن این است که حرفه‌ی حسابرسی در ایران دو متولی دارد یکی سازمان حسابرسی که دولتی است و دیگری جامعه‌ی حسابداران رسمی که به صورت مؤسسه‌ی غیردولتی تشکیل شده است. این دو ارگان با دیدگاه‌های گوناگون به وجود آمده‌اند اما در شرایط یکسان در کشور فعالیت نمی‌کنند. این خود مشکلاتی را در خصوص موضوع مورد بحث به وجود می‌آورد.

نرخ شکنی از آن جا باب شد که شرکت‌های دولتی طبق قانون محاسبات مجبورند بر اساس مناقصه کار خود را ارائه بدهند. طبیعی است وقتی مناقصه می‌گذارید هر کسی قیمت پایین‌تری داد آن دستگاه دولتی طبق اصول قانون محاسبات مجبور است کار را از طریق او انجام دهد.

« مصطفی جهانبانی:

آن چه مهم است این است که جامعه باید کنترل کیفیتش را از کارمحوری و فردمحوری به سازمان‌محوری تبدیل کند. از مؤسسه‌ی خوب، مؤسسه‌ای که مجموعه فرایندهایش فرایندهای قابل‌اتکایی هستند قاعدتاً محصول خوبی بیرون می‌آید. این موضوعی است که جامعه باید خودش را با توجه به آن اصلاح کند و لازمه‌اش آموزش است.

« مهدی بیرانوند:

باید نگاه جدیدی به موضوع کنترل

به نظر شما کدام کار را انتخاب می‌کنم؟ بی‌دقت تیک بزنم و بگویم کار را انجام داده‌ام؟ شب بروم در خانه‌ام ۲۰ ساعت کار انجام بدهم و بعد بگویم ۵ ساعته انجام داده‌ام و شما بگویید احسن است این نیرو حرفه‌ای شده است. یا این که بگویم دو ساعت کار را انجام داده‌ام؟

« مصطفی جهانبانی:

اگر جامعه‌ی حسابداران بحث کیفیت را از سمت کار بیاورد به سمت سازمان و مؤسسه، مشکل حل می‌شود. یکی از نظام‌نامه‌هایی که ما بررسی کردیم و مؤسسات بین‌المللی هم دارند نظام‌نامه‌ی پذیرش کار است. در نظام‌نامه‌ی پذیرش کار کیفیت و در واقع پیچیدگی و حجم کار و ریسک‌ها و ترکیب هیأت مدیره مشخص است. نرخ شکنی را رقبای ما برای این که ما را از بازار حذف کنند مطرح کردند. مؤسسه‌ای که نظام‌نامه‌ی پذیرش کار نداشته باشد کارش از لحاظ



کیفیت داشته باشیم. همان‌طور که اعتقاد داریم حسابرسی باید به‌روزآوری شود کنترل کیفیت و رصد کردن هم باید بازنگری شود. باید هوشمندانه این قضیه را کنترل کنیم ولی واقعیت این است که با توجه به شرایط محیطی وجود یک سری روش‌ها، مدل‌ها و دستورالعمل‌هایی از طرف یک نهاد ناظر و متولی مثل جامعه‌ی حسابداران رسمی ضروری است که بتواند بخشی از این قضیه را حل کند.

نکته‌ی دیگر این که اگر ما مؤسسات را یک بنگاه اقتصادی فرض کنیم تفاوتی که با سایر بنگاه‌های اقتصادی که نرخ‌شکنی و رقابت ناسالمی دارند وجود دارد این است که یک تولید کننده یا تاجر که بنا به هر دلیلی نرخ‌شکنی کند فقط به خودش لطمه می‌زند ولی در حرفه‌ی حسابرسی به کل حرفه خدشه وارد می‌کند. و همچنین در اثر کیفیت پایین گزارش، ذی‌نفعان زیادی ضرر خواهند کرد. به همین خاطر وجود ضوابط لازم و ضروری است. نرخ‌شکنی نه فقط یک رفتار غیر اخلاقی که پدیده‌ای متأثر از شرایط و زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی

و فرهنگی است، لذا برای حل این معضل نه فقط جامعه‌ی حسابداران رسمی بلکه تمام افراد ذی‌نفع باید تلاش کنند. همان‌گونه که قبلاً اشاره کردم علاوه بر انگیزه‌های سه‌گانه‌ی نرخ‌شکنی این پدیده در بستری از شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ... نیز قرار دارد. ما در حال حاضر با مشکلات عدیده‌ای در حوزه اقتصاد مواجه هستیم که نرخ‌شکنی در حسابرسی، یکی از هزار است.

◀ ساسان مهرانی:

برداشت من این است که در جامعه‌ای که ما زندگی می‌کنیم فرد را خواه‌ناخواه می‌کشاند به این سمت. این‌جا ویژگی‌های خودش را دارد. با این ضوابط باید کنار آمد. من کاملاً موافقم که یک چارچوب و ضوابط مشخص باید در این زمینه تهیه شود و با کیفیت نظارت شود اما نمی‌توانیم وارد جزئیات شویم.

ضمن تشکر از حضور اساتید عزیز مباحث را جمع‌بندی می‌کنیم. ابتدا بایستی مفاهیم را

یحیی حساس
یگانه:
تیمی در
مجموعه‌ی
جامعه باید
وجود داشته
باشد که این
قیمت‌ها را
به هنگام
داشته باشد
و اطلاعات
شرکت‌های
مختلف را به
ریز گرفته
باشد. بعد به
یک میانگین
حداقلی
برسد، رده‌ی
مؤسسات
را هم باید
در نظر
بگیرد، آن‌گاه
یک قیمت
مشخص
می‌شود

دقیق مشخص کنیم. مفاهیمی مثل نرخ‌شکنی ممکن است درک غلطی از پدیده‌های جاری بدهد. رقابت ناسالم در بازار ناشی از چند عامل است. یکی این که کلاً در بازار ما معیارهای دوگانه حاکم است. معیارهای دوگانه باعث شده که شرایط متفاوت کاری، بین مؤسسات حسابرسی دولتی سازمان و مؤسسات حسابرسی خصوصی و حتی در داخل خود مجموعه جامعه‌ی حسابداران رسمی که شرایط یک مؤسسه با مؤسسات دیگر متفاوت است وجود داشته باشد. مسأله‌ی مهم دیگری که اشاره شد تناقض ماده واحده‌ی تشکیل جامعه است با مجموعه قوانین و مقررات و تغییراتی که در اساسنامه طی این مدت اتفاق افتاده است. همچنین مسأله دیگری که مطرح شد رتبه‌بندی و تعریف حسابرس معتمد از طرف نهادهای مختلف است که تأثیرات متعددی بر بازار ارائه‌ی خدمات حرفه‌ای حسابرسی داشته است. ■